



نظام حالت در گویش خوانساری با رویکردی رده‌شناختی

پونه مصطفوی^۱

سارا فرزین یاسمی^۲

چکیده

رابطه بین هسته و وابسته در یک گروه اسمی به وسیله نشانه‌گذاری حالت نشان داده می‌شود. این نشانه‌گذاری می‌تواند به صورت تصریفی، تحلیلی، ترتیب واژه و یا صورت‌های دیگر باشد. در نظام حالت تصریفی، نشانه‌های حالت به صورت وندهایی تظاهر پیدا می‌کنند و در نظام حالت تحلیلی حروف اضافه نقش نشانه‌های حالت را ایفا می‌کنند. در سطح بند نیز رابطه بین اسم و فعل را نظام حالت نشان می‌دهد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نظام حالت در گویش خوانساری با رویکردی رده‌شناختی است. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و پیکره پژوهش شامل داده‌های زبانی است که از طریق مصاحبه با گویشوران با پرسشنامه، گردآوری شده است. در خوانساری حالت‌های فاعلی و مفعولی بدون نشانه، حالت اضافی با نشانه هسته نما، حالت به‌ای/برایی، ازی و مکانی از طریق حرف اضافه نشان داده می‌شوند. بنابراین نشانه‌های حالت در این زبان در پاره‌ای از حالت‌ها، تحلیلی است. همچنین این گویش پیش‌اضافه‌ای و دارای نظام حالت سه بخشی است.

کلیدواژه‌ها: نظام حالت، گویش خوانساری، رویکرد رده‌شناختی

✉ mostafavi1972@gmail.com

✉ farzin2001@yahoo.com

۱- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (نویسنده مسئول)

۲- دکترای زبان‌شناسی همگانی و مدرس موسسه آموزش عالی

سهروردی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۷

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/rjhll.2017.9882.1566

مقدمه

در زبان‌های مختلف، هر یک از گروه‌های اسمی آشکار^۱ وابسته در بند، روابط دستوری یا معنایی با هسته آن گروه اسمی دارند. برای نشان دادن روابط مذکور، از نشانه‌هایی استفاده می‌شود. بنابراین این گروه‌های اسمی حالت‌های دستوری خواهند داشت. بر این اساس نشانه‌هایی که برای حالت دستوری به کار گرفته می‌شوند، نشانه‌های حالت نامیده می‌شوند. به نظر بلیک^۲ روابط بین هسته و اسم‌های وابسته به آن، به وسیله نشانه‌گذاری نظام حالت مشخص می‌شود که در دستور سنتی آن را نشانه‌گذاری تصریفی^۳ می‌نامند. در نظام نشانه‌گذاری تصریفی، نشانه‌های حالت به صورت وندهایی بر روی گروه‌های اسمی قرار می‌گیرند که بسته به جایگاه وندها بر روی گروه‌های اسمی، به صورت پیشوند، پسوند یا میانوند خواهند بود. بلیک در کتاب خود با عنوان حالت برای درک بیش‌تر این موضوع، با ارائه مثالی نشان می‌دهد که زبان ترکی دارای این نوع نظام نشانه‌گذاری است (بلیک، ۲۰۰۴: ۱). نشانه‌های حالت بر روی گروه‌های اسمی / اسامی وابسته قرار می‌گیرند. نشانه‌های حالت بیش‌تر بر اساس روابط دستوری و یا معیارهای معنایی اعطا می‌شود (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲: ۱۱۲). البته شایان ذکر است که در برخی زبان‌ها نیز گاهی این نشانه‌ها در پاره‌ای از حالت‌های دستوری تظاهر صفر دارند. حروف اضافه نیز می‌توانند به عنوان نشانه‌های حالت در زبان‌ها به کار روند، چنین نظامی، نظام نشانه‌گذاری تحلیلی^۴ نامیده می‌شود. مثلاً در زبان ژاپنی حالت‌های دستوری را حروف پس‌اضافه نشان می‌دهند (بلیک، ۲۰۰۴: ۹). کرافت^۵ نیز معتقد است رابطه بین هسته و وابسته به وسیله دو نوع نشانه بیان می‌شود. او این نشانه‌ها را تکواژهای رابطه‌ای^۶ نامیده است. برخی از این نشانه‌ها وابسته هستند که به آنها وندهای حالت^۷ گفته می‌شود. نوع دیگر از نشانه‌ها، نشانه‌های آزاد هستند که آنها را حروف اضافه^۸ می‌نامند. سپس اضافه می‌کند که حروف اضافه می‌توانند پیش یا پس اضافه باشند (کرافت، ۲۰۰۳: ۳۳-۳۴). به نظر بلیک اگر در سطح بند، فعل را هسته در نظر بگیریم، وابسته‌های فعل دارای حالت‌های دستوری هستند. این حالت‌های دستوری می‌توانند شامل حالت فاعلی^۹، مفعولی^{۱۰}، اضافی^{۱۱}، به‌ای/برایی^{۱۲}، مکانی^{۱۳}، ازی^{۱۴} و غیره باشند.

1. overt NP
2. Barry J. Blake
3. inflectional marking
4. analytic case markers
5. W. Croft
6. relational morphemes
7. case affixes
8. adposition
9. nominative
10. accusative
11. genitive
12. dative
13. locative
14. ablative

خوانسار از شهرستان‌های سردسیر و کوهستانی مرکزی تابع استان اصفهان و از شهرهای مرکزی ایران است (اشرفی خوانساری، ۱۳۸۳: ۳) و گویشی که در این شهرستان رایج است، از جمله زبان‌های شمال غربی زبان‌های مرکزی ایران محسوب می‌شود. این شاخه از زبان‌های مرکزی ایران در غرب جاده قم - اصفهان رواج دارد و شامل محلاتی، وانشانی و خوانساری است (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۱۷). واژه‌های خوانساری با فارسی تفاوت زیادی دارد و این گویش از لحاظ تصریف افعال کاملاً با فارسی متفاوت است. علی‌رغم فاصله زیاد جغرافیایی این گویش با زبان‌ها و گویش‌های مختلف (شمال، جنوب، شرق، غرب و ناحیه مرکزی) ایران به ویژه زردشتی، کردی، سمنانی، نایینی، گیلکی و مازندرانی اشتراک واژگانی زیادی بین آنها وجود دارد (به‌جوه، ۱۳۸۴: ۴۰؛ نقل از اشرفی خوانساری، ۱۳۸۳: مقدمه).

هدف این مقاله مطالعه نظام حالت گویش خوانساری و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پیکره پژوهش شامل داده‌های زبانی است که از طریق مصاحبه با گویشوران گردآوری شده است. برای این منظور پرسشنامه‌ای حاوی ۱۵۰ جمله و عبارت تهیه شده، و از ۱۰ نفر گویشور زن و مرد پرسش صورت گرفته است. داده‌های گردآوری شده ابتدا آوانویسی و سپس تحلیل شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها بر مبنای چارچوب نظری، دو کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند: کتاب بلیک با عنوان *حالت* (۲۰۰۴) و کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، اثر دبیر مقدم (۱۳۹۲).

مطالعات و پژوهش‌های زیادی در موضوع حالت و نظام حالت در زبان‌ها و گویش‌های گوناگون انجام شده است. محمودی بختیاری (۱۳۸۳) حالت را در زبان‌های ایرانی (غربی) از منظر رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده است و نشان می‌دهد که حالت فاعلی تقریباً در تمامی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی از بین رفته است و تقریباً در همه گویش‌های ایرانی حالت‌های کنایی و اضافی با حالت غیرفاعلی نشان داده می‌شود. محو تدریجی پی‌افزودهای صرفی برای بیان حالت و جایگزینی اکثر آنها با حروف اضافه نکته قابل توجه دیگری است که در جریان این پژوهش به‌دست می‌آید. تقوی‌گلیان (۱۳۹۱) نظام‌های حالت‌دهی گویش کرمانجی را با فارسی معاصر مقایسه می‌کند. او بر حفظ نظام حالت‌دهی کنایی - مطلق این گویش تأکید دارد. راسخ مهند (۱۳۸۵) هم به‌معرفی سه شیوه رایج در زبان‌های مختلف (توالی واژه‌ها، مطابقه و حالت‌دهی) برای نشان دادن روابط دستوری و سپس به معرفی دو نظام مهم حالت‌دهی (فاعلی - مفعولی و کنایی - مطلق) و ارائه ویژگی‌های مهم آنها پرداخته است. وی با استدلال‌هایی نشان داده زبان فارسی نیز از مطابقه و حالت‌دهی برای نشان دادن روابط دستوری استفاده می‌کند و نظام حالت‌دهی فارسی فاعلی - مفعولی است. نغزگوی‌کهن (۱۳۹۲) نقش پس اضافه‌ها در حالت‌دهی را در تالشی ماسال مورد بررسی قرار داده است. تالشی از جمله زبان‌هایی است که دارای نظام حالت است. او برای این کار، دو ساز و کار نشانه‌های حالت و حروف اضافه و نقش‌های آنها را مورد توجه قرار داده و نشان داده که در بعضی زبان‌ها، هم زمان، از هر دو راهکار برای نشان دادن روابط دستوری و نقش‌های معنایی استفاده می‌شود. این زبان در زمان حال دارای نظام حالت مفعولی و در زمان گذشته، دارای نظام غیرفاعلی دوگانه است. این نظام مبین دستوری‌شدگی ترتیب کلمات و کم رنگ‌تر شدن تمایزدهندگی نشانه‌های حالت است. راسخ مهند و همکار (۱۳۹۲) در

پژوهش خود درصدد یافتن پاسخی برای این پرسش برآمدند که آیا نظام حالت غالب در هورامی متأثر از ویژگی‌های کلامی است یا خیر. آنها با انجام این پژوهش به این نتیجه رسیدند که با وجود مشاهده الگوی ساخت موضوعی ارجح در کلیه ساخت‌های زبانی هورامی، میزان تأثیرگذاری این الگو در ساخت‌های گذشته ساده بیشتر از ساخت‌های مضارع است و همین موضوع موجب کنایی‌شدن ساخت‌های گذشته ساده در این زبان می‌شود.

پژوهشی نیز در قالب مقاله دربارهٔ نظام حالت نمایی در دروی (darav-i) تاتی روستای درو، از توابع شاهرود خلخال با هدف بررسی نظام حالت‌نمایی به‌وسیلهٔ سبزلپیور و همکار (۱۳۹۳) انجام گرفته است. حالت نمایی در زبان‌های دارای نظام حالت توسط تکواژهای حالت یا رابطه‌نماهای فعلی و یا توالی واژگان صورت می‌پذیرد. پژوهش دیگری که در چارچوب رویکرد کمینه‌گرا در موضوع نظام حالت انجام شده، متعلق به کریمی و همکاران (۱۳۹۴) است که در سورانی (سنندجی و بانه‌ای) صورت گرفته است. آنها براساس داده‌هایی از زبان کردی (سنندجی و بانه‌ای) و با مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گونه کردی از کردی سورانی نشان دادند که در نظام حالت‌دهی گونه‌های مختلف از سورانی از رویکردهای متفاوتی استفاده می‌شود.

آیگسن^۱ در مقاله‌ای در کتاب *اطلس جهانی ساخت‌های زبان اشاره* می‌کند که نظام نشانه‌گذاری تصریفی، روشی معمول برای بیان رابطه‌های نحوی و معنایی است و در زبان‌هایی که از نشانه‌های حالت استفاده نمی‌شود، روابط دستوری یا از طریق ترتیب واژه‌ها و یا با به‌کار بردن واژه‌ای مستقل مانند حرف‌افزافه و یا نشانه‌هایی که بر روی فعل قرار می‌گیرند قابل تمایزند (آیگسن، ۲۰۰۵: ۲۰۲). علاوه بر این وی به این نکته نیز اشاره می‌کند که زبان‌ها در تعداد حالت‌های دستوری دارای الگوهای متفاوتی هستند. حداقل الگویی که برای نظام حالت در زبان‌ها مشاهده شده است، دو عضوی بودن است. اما وی با ارائه مثال‌هایی نشان می‌دهد که

زبان‌هایی با ۲۰ یا ۲۱ عضو از نظام حالت نیز وجود دارند (همان، ص ۲۰۲-۲۰۳).

مقاله حاضر شامل چهار بخش است، در بخش مقدمه مختصری دربارهٔ پیشینهٔ تحقیق ارائه شده است. در بخش چارچوب نظری در مورد دو منبع مورد استناد مقاله برای تحلیل داده‌ها بحث می‌شود. بخش سوم مقاله که خود شامل ۳ زیربخش است، با تکیه بر داده‌های گردآوری شده، با بررسی نظام حالت در گویش خوانساری می‌پردازد. در نهایت در بخش نتیجه‌گیری نتایج پژوهش ارائه شده‌اند.

چارچوب نظری

به اعتقاد دبیرمقدم (۱۳۹۲) در زبان‌های ایرانی برای صورت‌بندی نقش‌های دستوری فاعل و مفعول از ساز و کار مطابقت استفاده می‌شود. بارزترین جلوهٔ مطابقت، تطابق فعل و فاعل است و به‌صورت پسوند مطابقت فاعلی

یا شناسه در فعل بازنمایی می‌کند. ساز و کار مطابقه در زبان‌های ایرانی دستوری^۱ شده است. در کنار ساز و کار مطابقه، ساز و کار حالت نمایی نیز برای نشان‌دادن نقش‌های دستوری وجود دارد. در زبان‌های ایرانی کنایی، واژه‌بست‌های ضمیری مذکور در فعل‌های متعدی گذشته برای ارجاع به فاعل دستوری آن فعل به خدمت گرفته می‌شوند. اما در برخی از زبان‌ها مشاهده می‌شود که ساز و کار حالت‌نمایی^۲ هم برای نشان دادن نقش‌های دستوری فاعلی و مفعولی به کار گرفته می‌شود. در اکثر زبان‌های ایرانی رایج در ایران از ساز و کار ضمیر واژه‌بستی برای ارجاع به فاعل دستوری فعل‌های متعدی گذشته استفاده می‌شود. ضمیر واژه‌بستی همان ضمیر متصل است که در فارسی به فعل می‌چسبد و به مفعول ارجاع می‌دهد مانند «برَدَمَش» (ص ۴۶). به نظر بلیک (۲۰۰۴) نیز در برخی از زبان‌ها رمزگذاری روابط دستوری فاعلی و مفعولی به وسیله نشانه گذاری‌های نظام حالت انجام می‌شود و زبانی با چنین نظام، به‌عنوان یک زبان حالت در نظر گرفته می‌شود. به‌منظور مشخص کردن روابط بین هسته و اسم‌های وابسته به آن از نشانه‌گذاری نظام حالت استفاده می‌شود که به لحاظ سنتی آن را نشانه‌گذاری تصریفی^۳ می‌نامند (ص ۱). بلیک برای روشن شدن موضوع مثالی از زبان ترکی ارائه می‌دهد:

1- mehmet adam-a elma-lar-i ver-di
 mehmet.nom man.dat apple.pl.acc give.past.3sg
 'Mehmet gave the apple to the man.'

در این جمله /-i/ نشان می‌دهد که /elma-lar- / مفعول مستقیم فعل /vermek/ (to give) است. پسوند /-i/ یک نشانگر حالت مفعولی و واژه /elma-lar-i/ در حالت مفعولی است. /adam/ با پسوند /-a/ مشخص شده که نشان می‌دهد مفعول غیرمستقیم است و /adam-a/ در حالت به‌ایی/بایی قرار دارد. /mehmet/ با /adam-a/ و /elma-lar-i/ در تقابل قرار می‌گیرد از آن جهت که هیچ پسوند آشکاری ندارد و در حالت فاعلی است که در این جمله فاعل را نشان می‌دهد. در مثال فوق فعل /vermek/ هسته محسوب می‌شود زیرا مشخص می‌کند چه وابسته‌هایی می‌توانند در این جمله حضور داشته باشند. این فعل، یک فعل سه ظرفیتی است که سه موضوع دارد: یک اعطا کننده، که در این جمله به‌عنوان فاعل در حالت فاعلی بیان شده است. یک اعطا شده، که به‌عنوان مفعول مستقیم در حالت مفعولی است و یک دریافت کننده به‌عنوان مفعول غیرمستقیم در حالت به‌ایی/بایی (همان).

همان گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، گاهی حروف اضافه می‌توانند به‌عنوان نشانه‌های حالت تحلیلی^۴ در زبان‌ها به کار روند، مانند زبان ژاپنی که در آن روابط دستوری به وسیله نشانه‌های حالت به‌صورت حروف پس اضافه نشان داده می‌شوند. به این نشانه‌ها، نشانه‌های حالت تحلیلی گفته می‌شود. این اصطلاح در برابر اصطلاح نشانه‌های حالت نحوی به کار می‌رود که در زبان‌هایی مانند ترکی و لاتین به‌صورت پسوندها تظاهر

1. grammaticalized
2. case marking
3. inflectional marking
4. analytic case markers

پیدا می‌کنند. بنابراین تفاوت اصلی در نشانه‌گذاری حالت بین زبانی مثل ژاپنی و زبانی مثل لاتینی در این است که در ژاپنی پسوندهای حالت وجود ندارد و فقط پس اضافه وجود دارد در حالی که در لاتینی پسوندهای حالت وجود دارند. مثال زیر از زبان ژاپنی را بلیک (ص ۹) ارائه کرده‌است:

2- sensi ga tasaku ni hon o yat-ta
 Teacher subj Tasaku io book do give- past
 'The teacher gave Tasaku a book.'

در مثال فوق (ga) فاعل، (ni) مفعول غیرمستقیم و (o) مفعول مستقیم را نشان می‌دهند (همان). همپوشی نقش نشانه‌های حالت و حروف اضافه در نظام حالت در زبان‌های مختلف می‌تواند دلیل تاریخی داشته باشد (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

آیگسن (۲۰۰۵) نیز معتقد است که پس‌اضافه‌ها که واژه‌های مستقل محسوب می‌شوند، واژه‌بست‌ها و تکواژهای حالت تصریفی به لحاظ تاریخی در یک پیوستار دستوری‌شدگی به هم مرتبط هستند و تعیین نقطه مشخص برای جدا کردن هر یک از آنها کار ساده‌ای نیست (ص ۲۰۳).

در بسیاری از زبان‌ها نیز حروف اضافه و نشانه‌های حالت به صورت توأمان در نظام حالت آن زبان استفاده می‌شوند. مثلاً در زبان لاتینی، هم پسوندهای حالت و هم پیش‌اضافه‌ها رابطه گروه‌های اسمی را با افعال، بازنمایی می‌کنند (بلیک، ۲۰۰۴: ۹-۱۰).

در زبان‌های مختلف تعداد حالت‌های دستوری در نظام حالت با هم متفاوتند. مثلاً بلیک (۲۰۰۴) برای زبان ترکی، یک نظام ۶ حالتی را معرفی می‌کند که شامل حالت‌های فاعلی، مفعولی، به‌ای/برایی، ازی، مکانی و اضافی هستند (ص ۲). اما همان‌طور که در بخش مقدمه از قول آیگسن (۲۰۰۵) اشاره شد، نظام‌هایی با تعداد کم‌تر یا بیش‌تر از نظام ۶ حالتی زبان ترکی نیز وجود دارند (نک به آیگسن، ۲۰۰۵: ۲۰۲-۲۰۳).

در زبان‌هایی که کنایی- مطلق هستند، حالت‌های کنایی^۱ و مطلق^۲ هم وجود دارند. سیلی^۳ (۱۹۷۷) معتقد است که حالت کنایی، حالت فاعل فعل متعدی است و این حالت در تقابل با حالت مطلق است که شامل فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی می‌شود. به نظر او حالت کنایی متضمن تمایز میان فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی است (سیلی، ۱۹۷۷: ۱۹۱ نقل شده در دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴۹).

به اعتقاد بلیک (۲۰۰۴) غیر از حالت‌هایی که بر اساس روابط دستوری فاعلی و مفعولی هستند، نشانه‌های حالت دیگری نیز در زبان‌های جهان وجود دارند که بیش‌تر ماهیت معنایی دارند گروهی از این حالت‌ها را بلیک حالت‌های مکانی^۴ نامیده است. منظور بلیک از حالت‌های مکانی، حالت‌هایی هستند که مفهوم مکان را

1. ergative
 2. absolutive
 3. J. Seely
 4. local cases

القا می‌کنند. در زبان‌های هندواروپایی، حالت‌هایی مانند مکانی و ازی و به‌ای که بیان‌کننده مسیر و مکان هستند، از مهم‌ترین حالت‌های مکانی محسوب می‌شوند (ص ۱۳۰ و ۱۵۱).
به‌طور کلی در زبان‌ها حالت‌های زیادی وجود دارند که پرداختن به هر یک از آنها به تفصیل از حوصله این پژوهش خارج است.

نکته قابل توجه دیگری که در مورد نظام‌های حالت به آن اشاره شده است، موضوعی است که دبیرمقدم (۱۳۹۲) به نقل از کامری (۱۹۷۸) بحث می‌کند. وی در این بحث به نظام‌های پنج‌گانه حالت در زبان‌ها اشاره می‌کند. کامری در مقاله خود که به بحث کنایی اختصاص دارد، ابتدا به معرفی سه نماد S یعنی فاعل (حرف اول subject، موضوع^۱ فعل لازم)، A (حرف اول اصطلاح Agent، عامل)، و P (حرف اول Patient، پذیرا) می‌پردازد. عامل (A) به موضوعی در فعل متعدی گفته می‌شود که در زبان‌های غیرکنایی فاعل محسوب می‌شود. پذیرا (P) موضوع فعل متعدی است که مفعول صریح آن در نظر گرفته می‌شود. کامری با توجه به حالت‌نماهای این سه نماد در جمله‌ها، به پنج نظام حالت در زبان‌ها اشاره می‌کند.
اولین نظام حالت‌نما را خنثی نامیده است که در آن حالت‌نمای واحدی که ممکن است صفر باشد برای هر سه جایگاه نحوی به کار می‌رود. مثلاً در جمله‌های زبان انگلیسی این رده را با گروه‌های اسمی (غیر ضمیری) فاعلی و مفعولی می‌توان مشاهده کرد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶۱).

دومین نظام حالت در زبان‌های فاعلی-مفعولی^۲ است. در این نظام، فاعل فعل‌های لازم (S) و متعدی (A) حالت‌نمای یکسان (حالت فاعلی) دارند و حالت‌نمای P متفاوت از حالت‌نمای فاعلی است و در واقع حالت مفعولی دارد. دبیرمقدم (۱۳۹۲) شواهدی از زبان لاتینی برای این نوع نظام حالت ارائه می‌کند (ص ۶۱-۶۲).

نوع سوم در زبان‌های کنایی-مطلق^۳ به کار می‌رود که در آن حالت‌نمای فاعل فعل لازم (S) و مفعول فعل متعدی (P) یکسان است (حالت مطلق) و فاعل فعل متعدی (A) حالت‌نمای کنایی دارد که از حالت‌نمای S و P متفاوت است. نمونه این نوع نظام حالت را در زبان باسکی می‌توان مشاهده کرد (ص ۶۲).
به نظر بلیک نظام‌های کنایی اغلب به‌عنوان نظام‌های کمیاب در نظر گرفته می‌شوند ولی در واقع ۲۰ درصد زبان‌های دنیا را در برمی‌گیرند. نشانه‌گذاری حالت در یک نظام کنایی معمولاً به این صورت است که حالت مطلق، نشانه صفر می‌گیرد. حالتی را که به لحاظ صرفی بی‌نشان است، برخی فاعلی و برخی مطلق می‌نامند (بلیک، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

دو نظام حالت‌نمایی فاعلی-مفعولی و کنایی-مطلق بیشترین کاربرد را در زبان‌های دنیا دارند (سبزعلیپور و همکار، ۱۳۹۳: ۱۰۶) و از میان این دو نظام، نظام حالت فاعلی-مفعولی در میان زبان‌های دنیا به مراتب بی‌نشان‌تر از نظام کنایی-مطلق است (راسخ مهند و همکار، ۱۳۹۲: ۸۸).

1. argument

2. nominative-accusative

3. ergative- absolutive

کامری نوع چهارم را نظام سه‌بخشی نامیده و معتقد است که این نوع نظام حالت‌نما در بین زبان‌ها، بسیار به‌ندرت دیده می‌شود. در این نوع نظام حالت هر کدام از جایگاه‌های نحوی حالت‌نمای متفاوتی دارند (ص ۶۳). به اعتقاد دبیرمقدم بسیاری از زبان‌های ایرانی متداول در ایران دارای نظام سه‌بخشی هستند. در این گونه زبان‌ها واژه‌بست مطابقه با فاعل فعل متعدی گذشته به مفعول صریح (P) می‌پیوندد. در زبان‌های بلوچی، کردی، لکی و وفسی هم این وضعیت وجود دارد (ص ۶۷ و ۶۸). در بخش تحلیل این مقاله نیز خواهیم دید که در زبان خوانساری هم این موضوع تسری دارد.

در رده آخر که کامری برای آن نامی پیشنهاد نکرده است، جایگاه‌های نحوی A و P حالت‌نمای یکسان دارند و S حالت‌نمای متفاوتی دارد. به نظر کامری این نوع از نظام حالت یافت نمی‌شود ولی به صورت منطقی وجود دارد (ص ۶۳).

کامری ۵ نظام و رده زبانی را در مقاله ۱۹۷۸ خود مطرح کرده‌است و دیکسون (۱۹۹۴) نیز آن را پذیرفته و در کتاب خود آورده‌است (ص ۹۱).

اما کامری جلوه دیگری از حالت‌نمایی در زبان‌ها را معرفی می‌کند و معتقد است که از طریق مطابقه فعل^۱ صورت می‌گیرد. از نظر او هر دو روش حالت‌نمایی، صرفی است. در برخی زبان‌ها مثل زبان آفریقای سواحیلی^۲ مطابقه فعل بر اساس نظام فاعلی-مفعولی صورت می‌گیرد. به این معنی که S و A شناسه یکسان دارند و برای P شناسه متفاوت وجود دارد. از سوی دیگر زبان‌هایی نیز وجود دارند که در آنها مطابقه فعل بر پایه نظام کنایی-مطلق است مانند زبان آوری^۳ که از زبان‌های قفقاز است. فعل به لحاظ شمار و جنس با S و P که دارای حالت مطلق هستند، مطابقه دارد اما با A یعنی گروه اسمی دارای حالت کنایی مطابقه ندارد. زبان‌هایی نیز وجود دارند که در آنها هر دو نوع نظام حالت‌نمایی (فاعلی-مفعولی و کنایی-مطلق) را به خدمت می‌گیرند. مثلاً در زبان والبیری^۴ زبانی در استرالیا، برای حالت‌نمایی از نظام کنایی-مطلق و برای مطابقه فعل از نظام فاعلی-مفعولی استفاده می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۴ به نقل از کامری، ۱۹۷۸: ۳۳۷ و ۳۴۰).

نظام حالت در گویش خوانساری

در این بخش با استفاده از داده‌های زبانی گویش خوانساری حالت‌هایی که مطابق نظر بلیک (۲۰۰۴) دستوری و معنایی هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت نیز نظام حالت گویش خوانساری بر اساس نظام‌های پنج‌گانه کامری که دبیرمقدم (۱۳۹۲) آنها را نقل کرده است به استناد داده‌های زبانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

1. verb-agreement
2. Swahili
3. Avar
4. Walbiri

بلیک (۲۰۰۴) حالت‌ها را به دو دسته دستوری یا نحوی و معنایی یا ذاتی^۱ تقسیم می‌کند. با اینکه به نظر بلیک اساس و پایه تمایز این دو نوع حالت دقیقاً مشخص نیست، اما حالت‌های دستوری تنها و منحصرراً روابط نحوی و حالت‌های معنایی فقط روابط معنایی همگن را رمزگذاری می‌کنند. از جمله حالت‌های دستوری حالت‌های فاعلی، مفعولی، اضافی، به‌ای/برایی و کنایی هستند. بلیک اشاره می‌کند که افرادی چون کوریلوویکس^۲ (۱۹۴۹ و ۱۹۶۴: ۱۸۸) حالت اضافی را متعلق به حالت‌های دستوری می‌دانند. او تصریح می‌کند که حالت به‌ای/برایی، مفعول غیرمستقیم را رمزگذاری می‌کند و حالت کنایی، به فاعل فعل گذرا اشاره دارد به همین دلیل این دو حالت، جزء حالت‌های دستوری و حالت‌هایی چون مکانی و منبع^۳ از حالت‌های معنایی هستند.

با این حال بلیک اضافه می‌کند که در پاره‌ای از زبان‌ها حالت‌های نحوی، رابطه یا نقش معنایی را هم رمزگذاری می‌کنند. مثلاً در زبان لاتینی حالت مفعولی علاوه بر بیان مفعول مستقیم، نقش معنایی مقصد^۴ را نیز بیان می‌کند با اینکه این نقش زیرگروه مفعول مستقیم نیست. از سوی دیگر در این زبان موقعیت‌هایی نیز وجود دارند که در آنها حالت‌های معنایی رابطه نحوی را رمزگذاری می‌کنند (بلیک، ۲۰۰۴: ۳۱-۳۲). بنابراین حالت‌های فاعلی و مفعولی در زبان‌های فاعلی-مفعولی و حالت‌های کنایی و مطلق در زبان‌هایی که دارای نظام حالت کنایی-مطلق هستند معنایی نیستند بلکه نحوی هستند (ص ۱۳۰). بلیک حالت‌های فاعلی، کنایی و مفعولی را حالت‌های هسته‌ای و سایر حالت‌ها را حاشیه‌ای می‌نامد (ص ۳۲). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، او حالت‌هایی را که به مکان، منبع، مقصد یا مسیر اشاره دارد، حالت‌های مکانی نامگذاری می‌کند (ص ۳۳).

حالت‌های دستوری در زبان خوانساری

یکی از حالت‌های دستوری حالت فاعلی است. حالت فاعلی، حالتی است که در اسم‌ها رابطه فاعلی (subject) را بیان می‌کند. این حالت رابطه‌های هسته‌ای جایگاه‌های نحوی S ، S و A ، S و P یا همه روابط هسته‌ای را رمزگذاری می‌کند (بلیک، ۲۰۰۴: ۲۰۲). البته لازم به ذکر است که همه اسم‌هایی که حالت فاعلی دارند در همه زبان‌ها بیانگر فاعل نیستند (ص ۳). مثلاً در زبان هندی-اردو حالت فاعلی، فاعل و مفعول را پوشش می‌دهد (ص ۱۰).

در زبان خوانساری حالت فاعلی فعل لازم و متعدی به صورت واژگانی یا ضمیری هیچ نشانه‌ای ندارد. فاعل فعل لازم با فعل مطابقه دارد و شناسه مطابقه با فاعل بر روی فعل قرار می‌گیرد. دو جمله ۳ و ۴ مطابقه فعل با فاعل را در جملات دارای فعل لازم نشان می‌دهد. نمونه‌های فاعل فعل متعدی را در مثال‌های مربوط به حالت مفعولی بررسی می‌کنیم.

1. concrete
2. Kuryłowicz
3. source
4. destination

- 3-veča bæ-broft-ø 'بچه گریه کرد.'
 ۳ش م-گریه کردن-پیشوند گذشته ساز بچه
- 4-mon et-ters-an 'من می‌ترسم.'
 ۱ش م-ترسیدن-پیشوند مضارع ساز من

حالت مفعولی نیز خواه به صورت واژگانی یا ضمیری در این زبان نشانه خاصی ندارد. اما همان گونه که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، نکته قابل توجه در این زبان در مورد حالت مفعولی این است که در زمان گذشته، مفعول میزبان واژه‌بست مطابقه با فاعل است. به این معنی که واژه‌بست مطابقه فاعل فعل متعدی گذشته به مفعول صریح (P) می‌پیوندد.

- 5-hæsæn in ketab-æ ežegu vær-xund-u 'حسن این کتاب را خواهد خواند.'
 ۳ش م - خواندن خواهد نشانه معرفه ساز- کتاب (را) این حسن
- 6-hæsæn una be meččed ed-ber-u 'حسن آن‌ها را به مسجد می‌برد'
 ۳ش م- بردن-نشانه مضارع مسجد به آن‌ها(را) حسن

همان گونه که در دو مثال ۵ و ۶ مشاهده می‌شود، در خوانساری حالت مفعولی (/ketab/) و (/una/) در دو نمونه ۵ و ۶ هیچ نشانه‌ای ندارد. در واقع این دو مفعول نشانه صفر دارند. علاوه بر این در بخش مربوط به تحلیل حالت فاعلی اشاره شد که در مثال‌های مربوط به حالت مفعولی، حالت فاعلی در جمله‌های دارای فعل متعدی بررسی می‌شوند که دو جمله ۵ و ۶ نشان می‌دهند که حالت فاعلی در این نوع جمله‌ها نیز بدون نشانه است. اما چون دو فعل متعدی در نمونه‌های ۵ و ۶ به ترتیب زمان آینده و حال هستند، واژه‌بست مطابقه با A را نیز بر روی مفعول مشاهده نمی‌کنیم. بلکه واژه‌بست‌های مطابقه فعل با فاعل متعدی به صورت پسوند بر روی فعل قرار دارد. اما در دو جمله زیر که نمونه‌هایی از جملات دارای فعل متعدی در خوانساری هستند، با توجه به اینکه دارای افعال متعدی در زمان فعل گذشته می‌باشند، واژه‌بست‌های مطابقه فاعل با فعل، به مفعول پیوسته‌اند. برای توجه بیشتر خواننده، واژه‌بست‌های توضیح داده شده در این جمله‌ها پر رنگ‌تر نوشته شده‌اند:

- 7-mæryæm dæss-ež-ež ba čayu-æ bæ-brind 'مریم دستش را با چاقو برید'
 بریدن-نشانه ماضی نشانه معرفه ساز-چاقو با شناسه ۳ش م-واژه‌بست ملکی ۳ش م-دست مریم

- 8-mon dæftær-æm æz hæsæn ba-geft 'من دفتر را از حسن گرفتم'
 گرفتن-نشانه ماضی حسن از شناسه ۱ش م-دفتر من

بنابراین در دو جمله ۷ و ۸ که دارای فعل متعدی در زمان گذشته هستند، هیچ شناسه‌ای برای مطابقه با فاعل فعل متعدی بر روی فعل وجود ندارد. شناسه‌های مطابقه از فعل جدا شده‌اند و مفعول جمله، میزبان این شناسه‌ها هستند که به صورت واژه‌بست به انتهای مفعول چسبیده‌اند. در این دو جمله به ترتیب /-ež/ که در

جمله ۷ به /dass-ež/ و /-æm/ که به انتهای /dæftær/ در جمله ۸ متصل شده‌اند، شناسه‌های مطابقه هستند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که گویشوران خوانساری، هنگامی که می‌خواهند این گونه افعال متعدی را در زمان گذشته خارج از جمله صرف کنند واژه‌بست‌های مذکور را در میان فعل قرار می‌دهند. در دو فعل فوق گویشوران شناسه‌ها را پس از پیشوند فعلی و بدون واکنه آغازین به کار می‌گیرند. به این ترتیب این دو فعل خارج از جمله به ترتیب به صورت‌های /bæ-ž-brind/ و /ba-m-geft/ صرف می‌شوند.

در گویش خوانساری نشانه حالت اضافی یا به بیان دیگر هسته‌نما، مانند زبان فارسی واژه‌بست /-e/ است که به انتهای هسته ساخت اضافی می‌پیوندد. این نشانه، با توجه به صورت آوایی پایانی هسته، تغییرات آوایی خواهد داشت. به این معنا که هسته مختوم به همخوان دارای نشانه حالت اضافی به صورت واژه‌بست /-e/ است. در صورتی که هسته ساخت اضافی به واکنه /-æ/ ختم شود، واکنه مذکور از انتهای هسته حذف می‌شود و نشانه حالت /-e/ به انتهای هسته می‌پیوندد. اگر هسته به واکنه‌های دیگر ختم شود در این صورت نشانه حالت، تظاهر صفر خواهد داشت. گاهی نیز واج میانجی بین آوای پایانی و واژه‌بست مشاهده می‌شود. بنابراین در مورد حالت اضافی می‌توان نتیجه گرفت که نشانه‌گذاری به صورت تصریفی است. ترتیب قرار گرفتن هسته و وابسته در ساخت اضافی به صورت هسته-وابسته است.

9-dær-e	ræž	‘در باغ’
	باغ هسته‌نما-در	
10-kel-e	mon	‘کلید من’
	من هسته‌نما-کلید	

در گویش خوانساری حالت به‌ای/برایی از طریق حرف اضافه اعطا می‌شود. حرف اضافه /vasse/ و /vas/ به معنای «برای» کاربرد دارد اما حرف اضافه /be/ به معنای «به» در جمله‌ها حذف می‌شوند.

11- yag	joft	keyš	vas	baba	æli	hagir	‘یک جفت کفش برای پدر علی بخر’
	یک	کفش	جفت	پدر	برای	بخر	علی
12-æli	medad-æž	mon	da				‘علی مداد را به من داد’
	علی	شناسه ۳ش م-مداد(را)	دادن	(به)من			

حالت‌های معنایی/ذاتی در زبان خوانساری

از جمله حالت‌های معنایی یا ذاتی، حالت مکانی و منبع است. در گویش خوانساری این دو حالت با حرف اضافه نشان داده می‌شود.

13- æli	mine	kiya	derxoft-ey	‘علی در خانه خوابیده است’
	علی	در	خانه	۳ش م- خوابیدن

در جمله ۱۳ حرف اضافه /mine/ «در» و در جمله ۱۴ /ri/ «روی» حالت مکانی را اعطا کرده‌اند.

14-ketab ri miz ess-u 'کتاب روی میز است'
 ۳ش م-است میز روی کتاب

15-fatme dəftær-ež ez mani-m ba-geft 'فاطمه دفتر را از مادر گرفت-نشانه ماضی
 واژه‌بست ملکی ۱ ش م-مادر از شناسه ۳ ش م-دفتر(را) فاطمه

16- hæsaen key ez sefaer vergerdu 'حسن چه موقع از سفر برگشته‌است'
 شناسه ۳ش م-برگشتن سفر از چه موقع حسن

در دو جمله ۱۵ و ۱۶ حرف اضافه /ez/ حالت منبع را اعطا می‌کند.

مطابق آن چه که بلیک (۲۰۰۴) درباره انواع نشانه‌گذاری‌های نظام حالت (ص ۱ و ۹) اشاره کرده، در گویش خوانساری دو حالت مکان و منبع تحلیلی هستند زیرا در این حالت‌ها، حالت‌دهی از طریق حرف اضافه انجام می‌شود.

رده‌بندی نظام حالت در خوانساری

اینک زمان آن است که با توجه به داده‌های زبانی، درباره رده‌بندی نظام حالت در زبان خوانساری مطابق آن چه که دبیرمقدم (۱۳۹۲) به نقل از کامری اشاره کرده‌است و شرح آن را در بخش چارچوب نظری به تفصیل آوردیم سخن بگوییم. همان‌گونه که در داده‌های زبانی بخش ۳-۱ مشاهده می‌شود، در گویش خوانساری هیچ گونه نشانه‌ای برای فاعل فعل لازم (S) و فاعل فعل متعدی (A) وجود ندارد. در این زبان برای مفعول صریح (P) نیز نشانه خاصی وجود ندارد. با اینکه تظاهر آوایی این نشانه‌ها صفر است، اما هریک از جایگاه‌های نحوی مذکور را با نشانه مجزایی در نظر می‌گیرند. در این گویش صورت‌بندی مطابقت به این صورت است که، برای فاعل S شناسه فاعلی، برای A واژه‌بست مطابقت و برای P عدم مطابقت وجود دارد. بنابراین این ویژگی از یک سو و ویژگی دیگری که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه در بسیاری از زبان‌های ایرانی واژه‌بست مطابقت با فاعل فعل متعدی گذشته به مفعول مستقیم (P) می‌پیوندد و در زبان‌های بلوچی، کردی، لکی و وفسی هم این وضعیت وجود دارد (ص ۶۷ و ۶۸) و از داده‌های بررسی شده در این پژوهش نیز این ویژگی را در خوانساری مشاهده کردیم، از سوی دیگر می‌تواند گواه بر این موضوع باشند که گویش خوانساری هم همانند زبان‌هایی که اشاره شد، دارای رده سه بخشی است. در داده‌های خوانساری با فاعل فعل لازم مطابقت صورت گرفته که این مطابقت به صورت شناسه فاعلی بر روی فعل و در انتهای آن قرار می‌گیرد. در مثال شماره ۳ این شناسه (سوم شخص مفرد) تکواژ صفر است و در مثال شماره ۴ /-an/ شناسه اول شخص مفرد در انتهای فعل مشاهده می‌شود. مطابقت با فاعل فعل متعدی از طریق واژه‌بست مطابقت بازنمایی شده است که مفعول مستقیم میزبان آن واژه‌بست است در نمونه‌های شماره ۷ و ۸ که فعل جمله زمان گذشته دارد، به ترتیب شناسه‌های /-ež/ (سوم شخص مفرد) و /-æm/ (اول شخص مفرد) شناسه‌های مطابقت فاعل فعل متعدی هستند که به انتهای مفعول مستقیم

پیوسته‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این نوع مطابقه را تنها در افعال متعدی زمان گذشته مشاهده می‌کنیم و در نمونه‌های ۵ و ۶ که زمان افعال به ترتیب آینده و حال می‌باشد، شناسه مطابقه فاعل با فعل متعدی (/u-/) سوم شخص مفرد) در انتهای فعل قرار گرفته‌است. به اعتقاد کریمی (۱۳۹۱) غالب زبان‌های ایرانی در نظام مطابقه/ حالت خود از الگوی گسسته کنایی^۱ استفاده می‌کنند. الگوی مذکور تابعی از زمان دستوری است. به این معنی که الگوی کنایی در زبان‌های ایرانی زمان - محور است. در بندهایی که فعل اصلی در آنها زمان حال باشد، الگوی فاعلی - مفعولی و در بندهایی که فعل اصلی زمان گذشته باشد، الگوی کنایی مشاهده می‌شود (ص ۲). در مورد مفعول مستقیم نیز هیچ مطابقه‌ای با آن صورت نمی‌گیرد و هیچ نشانه‌ای هم بر روی مفعول مستقیم مشاهده نمی‌شود مثال‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ این موضوع را تأیید می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این بخش به‌طور خلاصه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر پرداخته می‌شود. در نهایت نیز خلاصه نتایج در قالب جدول نشان داده شده است.

- ۱- در گویش خوانساری، حالت فاعلی در جمله‌هایی که افعال لازم و متعدی دارند، خواه فاعل به‌صورت واژگانی یا ضمیری باشد، هیچ نشانه‌ای ندارد.
- ۲- حالت مفعولی نیز خواه به‌صورت واژگانی یا ضمیری در این زبان نشانه خاصی ندارد.
- ۳- در زمان گذشته مفعول مستقیم میزبان واژه‌بست مطابقه فاعل فعل متعدی است.
- ۴- شناسه مطابقه با فاعل در زمان‌های حال و آینده خواه فعل لازم و یا متعدی باشد، در انتهای فعل مشاهده می‌شود.
- ۵- نشانه حالت اضافی یا به بیان دیگر هسته‌نما همانند زبان فارسی واژه‌بست /-e/ است که به انتهای هسته ساخت اضافی می‌پیوندد. این نشانه، با توجه به صورت آوایی پایانی هسته تغییرات آوایی خواهد داشت. در گویش خوانساری ترتیب قرار گرفتن هسته و وابسته در ساخت اضافی، به صورت هسته - وابسته است.
- ۶- حالت به‌ای/ برایی در گویش خوانساری از طریق حرف اضافه اعطا می‌شود. در این گویش حرف اضافه /vasse/ و /vas/ به معنای «برای» کاربرد دارد اما /be/ به معنای «به» در جمله‌ها حذف می‌شود.
- ۷- حالت‌های مکانی و منبع نیز در این گویش از طریق حرف اضافه اعطا می‌شوند.
- ۸- بررسی داده‌های گردآوری شده از گویش خوانساری نشان می‌دهد که با توجه به نتایج نمونه‌های شماره ۶ و ۷ نشانه‌های حالت در این گویش در برخی موارد تحلیلی است. زیرا همان‌گونه که ذکر شد، حالت‌های به‌ای/ برایی، منبع و مکانی از طریق حرف اضافه نشان داده می‌شوند.
- ۹- این گویش به لحاظ رده‌شناسی نظام حالت، از جمله زبان‌های سه بخشی است.

۱۰- نکته جالب دیگری که در گویش خوانساری وجود دارد این است که در زمان حال، افعال لازم و متعدی شناسه‌های مشابه دارند. اما در زمان گذشته شناسه‌های افعال لازم و متعدی متفاوتند. البته ذکر این موضوع ضروری است که در هر دو زمان خواه فعل لازم باشد یا متعدی مطابقت با فاعل انجام می‌شود.

۱۱- با بررسی نمونه‌هایی که دارای حرف اضافه هستند، این نتیجه حاصل شد که گویش خوانساری، پیش‌افزای است و هیچ پس‌افزای در این گویش وجود ندارد.

در جدول زیر خلاصه‌ای از نشانه‌های حالت در خوانساری ارائه شده است. علامت « \emptyset » در این جدول نشان دهنده تظاهر آوایی صفر است. این پژوهش می‌تواند برای سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز انجام شود و نتایج حاصل در جدولی مشابه ارائه گردد. یکی از فواید ارائه نتایج در جدول‌های مشابه علاوه بر دسترسی آسان و سریع مخاطبین به اطلاعات، این است که یافته‌های پژوهش در هر یک از زبان‌ها و گویش‌ها، به صورت تطبیقی قابل بررسی خواهند بود.

جدول ۱: نشانه‌های حالت در گویش خوانساری

نشانه‌های حالت‌های معنایی / ذاتی		نشانه‌های حالت‌های دستوری			حالت فاعلی	زبان خوانساری
منبع	مکانی	حالت به‌ای/برایی	حالت اضافی	حالت مفعولی		
حرف اضافه /ez/	حرف اضافه /ri/، /min/ و تمام حروف اضافه‌ای که مفهوم مکان را نشان می‌دهند.	حرف اضافه /vasse/ به /vas/ معنای «برای» و \emptyset برای حرف اضافه «به»	/-e/	\emptyset	\emptyset	

منابع

- اشرفی خوانساری، مرتضی (۱۳۸۳)، *گویش خوانساری*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، *راهنمای زبان‌های ایرانی*، تهران: ققنوس.
- به‌جو، زهره (۱۳۸۴)، «واج شناسی گویش خوانساری»، *گویش شناسی*. شماره ۱. دوره دوم. صص ۴۰-۶۴.
- تقوی گلپان، علی (۱۳۹۱)، *مقایسه نظام‌های حالت‌دهی گویش کرمانجی با فارسی معاصر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- راسخ مهندس، محمد (۱۳۸۵)، «شیوه نشان دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی» *مجله زبان‌شناسی*، سال بیست و یکم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۴۲)، صص ۸۵-۹۶.

- ۱۹۹
- راسخ مهند، محمد و نقشبندی، زانیار (۱۳۹۲)، «تأثیر عوامل کلامی بر تعیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی»، دوره ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص ۸۷-۱۰۹.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده شناسی زبان‌های ایرانی*، دو جلد، تهران: سمت.
- سبزی‌پور، جهان‌دوست و ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۳)، «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال»، جستارهای زبانی، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، صص ۱۰۳-۱۲۳.
- کریمی، یادگار؛ بدخشان، ابراهیم و رنجبر، رزیتا (۱۳۹۴)، «حالت و مطابقه در گویش سورانی (سندجی و بانه‌ای): بارویکرد کمینه‌گرا»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال ۶، شماره ۱۱: صص ۱-۲۸.
- محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۳)، *نظام حالت در زبان‌های ایرانی (غربی)*، پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۲)، «نقش پس اضافه‌ها در اعطای حالت (مطالعه‌ای موردی در گویش تالشی)»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- Blake, B.J. (2004). *Case*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Iggesen, O.A. (2005). “Asymmetrical case marking” *The World Atlas of Language Structures*. Edited by: M. Haspelmath and M.S. Drayer and d.Gil and B. Comrie, Oxford: Oxford University Press, pp.206- 209.
- Iggesen, O.A. (2005). “Number of case” *The World Atlas of Language Structures*. Edited by: M. Haspelmath and M.S. Drayer and d. Gil and B. Comrie, Oxford: Oxford University Press, pp.202-205.
- Seely, J. (1977). “An Ergativity Historiography”. In *Historiographia Linguistica* (Vol. IV: 2, pp. 191-206). Amsterdam: John Benjamins.